

She's a nice woman.	اون زن خوبیه
I'm sorry to bother you.	متاسفم مزاحمت می‌شوم
Is there a bank around here?	آیا این طرفا بانکی هست؟
There's one around the corner.	یکی دور و بر نبش هست
I want to invite you.	من می‌خواهم دعوتت کنم
We'll take care of it.	ما ترتیب اونو خواهیم داد
Can you take care of the children?	میتونی از بچه‌ها مواظبت کنی؟

I'm thirsty.	تشنمه
The children are hungry.	بچه‌ها گرسنشونه
Our trip was very long.	سفرمون خیلی طولانی بود
It took six hours.	شش ساعت طول کشید
I took my wife to the library.	خانمم رو بردم کتابخونه
Somebody called your brother.	یه کسی به برادرت تلفن کرد
They had a long phone conversation.	اونها یه مکالمه تلفنی طولانی داشتن
Did you call your sister back?	به خواهرت تلفن کردی؟
Call her back.	بهش تلفن کن
You should call her back.	بایستی بهش تلفن کنی
Can somebody help me?	آیا کسی میتونه کمکم کنه؟
I need your help.	به کمکت احتیاج دارم
They won't stay here.	اونها اینجا نخواهند بود (فشرده)
I won't let you go.	نمیذارم بری
I'll be there in a few minutes.	من ظرف یه چند دقیقه اونجا خواهم بود
What was your address?	آدرس‌ت چی بود؟
Is your house near the post office?	آیا خونت نزدیک اداره پسته؟
Yes, it is.	جواب مثبت کوتاه
I want to talk to Mina.	می‌خواهم با مینا حرف بزنم
Don't talk to her.	باهاش حرف نزن
In front of her friends	جلوی دوستاش
In front of other people	جلوی آدمای دیگه
She won't like it.	ازش خوشش نخواهد اومد

Somebody called.	یه کسی تلفن کرد
Was it a man or a woman?	مرد بود یا زن؟
What's the meaning of the word woman? What does woman mean? It means....	
Woman	زن
Was it a man or a woman?	مرد بود یا زن؟
She's a nice woman.	اون زن خوبیه
A woman left a message for you. A woman left you a message.	یه زنی واستون پیغام گذاشت
Are you very busy? A little	آیا سرتون خیلی شلوغه؟ یه خورده
I'm sorry to bother you. I just have a question.	مناسفم مزاحمتون میبشم (زحمتتون میدم) من فقط یه سوال دارم
Can I bother you for a minute?	میتونم یه دقیقه مزاحمتون بشم؟
I'm talking to somebody on the phone. Can you come back in ten minutes?	دارم تلفنی با یه کسی حرف میزنم میتونید ده دقیقه دیگه برگردید؟

مکالمه

کیه؟

A: Who is it?

علی هستم.

B: It's Ali.

علی، امروز صبح حالت چطوره؟

A: Ali, how are you this morning?

خوبم، مرسی. مینا ببخشید مزاحمتون میشم.

B: I'm fine, thanks. I'm sorry to bother you, Mina.

اوه، اشکالی نداره. فقط داشتم نگاه تلویزیون میکردم. بیا داخل. دوست داری یه چیزی بنوشی؟

A: Oh, that's okay. I was just watching TV. Come in! Would you like to have something to drink?

نه، متشکرم. من فقط چند دقیقه وقت دارم. هنوزم داری کتابی رو که از کتابخونه امانت گرفتم میخونی؟

B: No, thank you. I only have a few minutes. Mina, are you still reading the book I borrowed from the library?

آره، هنوزم میخونمش. چرا؟

A: Yes, I'm still reading it. Why?

خیلی متاسفم، امروز باید کتاب رو برگردونم به کتابخونه.

B: I'm very sorry, but I have to return the book to the library today.

اشکالی نداره. کدوم کتابخونه میری؟

A: That's okay. Which library do you go to?

نزدیک بانکه توی خیابون مین. تقریباً نزدیک بانک.

B: It's near the bank on Main Street, almost next to the bank.

اوه، میدونم کجاست. بیا کتابت علی.

A: Oh, I know where it is. Here's your book, Ali.

مرسی مینا.

B: Thanks, Mina.

خواهش میکنم.

A: You're welcome.

I have a cold.	سرما خوردم
You should get some medicine. I have to go to the pharmacy.	تو بایستی مقداری دارو بگیری باید برم داروخانه
Is there a pharmacy around here? I don't know. I don't live here. Ask somebody else.	آیا این طرفا داروخانه ای هست؟ نمیدونم ، من اینجا زندگی نمیکنم از یه کس دیگه ای بپرسید
There's a pharmacy near here. There's one around the corner.	یه داروخانه نزدیک اینجا هست یکی دور و بر نیش هست
Around the corner There's one around the corner.	دور و بر نیش یکی اطراف نیش هست
Is there a bank around here? Yes, there's one around the corner.	آیا این طرفا بانک هست؟ آره، یکی دور و بر نیش هست
I'm hungry. I know a good Persian restaurant. Let's eat there.	گرستمه من یه رستوران خوب ایرانی میشناسم بذار اونجا غذا بخوریم
Is it far from here? No, it's around the corner.	آیا از اینجا دوره؟ نه، دور و بر نیشه
We can walk there. But I don't have money with me.	میتونیم پیاده بریم اونجا ولی پول همراهم ندارم
I'll invite you.	من دعوتت خواهم کرد
I won't let you pay. I want to invite you.	نمیذارم پول بدی من میخوام دعوتت کنم

مکالمه

علی، شنبه ست. دوست دارم یه کاری بکنم.
A: Ali, it's Saturday. I'd like to do something.

منم همینطور. تمام هفته سخت کار کردم، الان وقتشه که بجای کار کردن کل روز کار دیگه ای انجام بدم.
B: Me too. I worked hard all week, and now it's time to do something instead of working at the job all day.

من یه فکری دارم. چرا ما نمیبریم پارک؟
A: I have an idea. Why don't we go to the park?

فکر خوبیه. بایستی با خودمون کمی غذا ببریم؟

B: That's a good idea. Should we take some food with us?

میتونیم، ولی واقعاً لازم نداریم.

A: We can, but we really don't need to.

چرا نه؟

B: Why not?

چون من میخوام به ناهار دعوتت کنم، و مهمون منی. (قصد دارم حساب کنم)

A: Because I want to invite you to lunch, and I'm going to pay.

واقعاً؟

B: Really?

آره.

A: Yes.

این اولین باره منو به ناهار دعوت میکنی.

B: This is the first time you are inviting me to lunch.

دو هفته پیش دعوتت کردم، یادت نمیاد؟

A: I invited you two weeks ago, don't you remember?

اوکی. دوست داری ناهار کجا ببریم؟

B: Okay. Where would you like to go for lunch?

من یه این طرفا یه رستوران خوب بلدم.

A: I know a good restaurant around here.

باید رانندگی کنیم؟

B: Do we have to drive?

نه، اگه خوای میتونیم پیاده ببریم. اطراف نبشه.

A: No, we can walk if you want. It's around the corner.

پس بیا حاضر بشیم.

B: Then let's get ready.

I'm sorry to bother you. Can I ask you a question? Of course	متاسفم مزاحمتون می‌شوم میتونم یه سوالی ازتون بپرسم البته
What's your address?	آدرستون چیه؟
There are two different addresses on this letter. Which one is your address?	دو تا آدرس متفاوت روی این نامه هست کدوم یکی آدرس شماست؟
My address is the top one.	آدرس من بالاییه
Thanks for your help. You're welcome.	مرسی از کمکتون خواهش میکنم
Where do I have to send this letter? You don't need to send this letter.	این نامه رو کجا باید بفرستم؟ احتیاج ندارید این نامه رو بفرستید
We'll take care of it.	ما ترتیبشو خواهیم داد
I'll take care of the children.	من مواظب بچه‌ها خواهم بود
Ali, we're going to the park. When do you want to go to the mall? In half an hour	علی، ما داریم میریم پارک تو کی میخوای بری پاساژ؟ ظرف نیم ساعت
The windows and the doors are open. Remember to close them.	پنجره‌ها و درها بازن یادت باشه اوها رو ببندی
The TV is on, too. Remember to turn it off. Okay. I'll take care of all of them.	تلویزیون هم روشنه یادت باشه خاموشش کنی اوکی. ترتیب همه اونها رو خواهم داد
What are you doing? I'm reading a book.	چکار داری میکنی؟ دارم کتاب میخونم
Is the TV bothering you? No, not at all. Thanks for asking.	آیا تلویزیون برات مزاحمت میکنه؟ نه، اصلاً نه مرسی که پرسیدی
Are you hungry? Are you thirsty?	گرسنته؟ تشنه؟

Woman

Bother

Father

Bother

Around

Around here

Corner

Around the corner

Invite

I want to invite you.

White

My car is white.

Care

Take care

Who's this woman in the picture?

She's my sister.

She's a very beautiful woman.

این زنه کیه تو عکس؟

اون خواهرمه

اون زن خیلی خوشگلیه

مکالمه

مینا، دوستت سحر تلفن کرد.

A: Mina, your friend Sahar called.

واقعاً؟ کی تماس گرفت؟

B: Really? When did she call?

حدوداً دو ساعت پیش تماس گرفت، وقتی تو پاساژ بودی.

A: She called about two hours ago when you were at the mall.

چی گفت؟

B: What did she say?

ما رو واسه شام دعوت کرد.

A: She invited us for dinner.

واسه امشب؟

B: For tonight?

آره، .اسه امشب. اون آدمای زیاد دیگه ای رو هم دعوت کرده.

A: Yes, for tonight. She has invited many other people, too.

با بچه ها چکار کنیم؟ بایستی با خودمون ببریمشون؟

B: What do we do with the children? Should we take them with us?

نه، بایستی خونه بمونن. کامران به اندازه کافی بزرگه واسه مراقبت از اونها.

A: No, they should stay home. Kamran is big enough to take care of them.

ولی من فکر میکردم کامران تصمیم داشت بره دیدن دوستش.

B: But I thought Kamran was going to visit his friend?

نه، من چند دقیقه پیش باهاش حرف زدم. اون برنامه داره خونه بمونه.

A: No, he's not. I talked to him a few minutes ago. He's planning to stay home.

علی، قبل از اینکه بریم میتونی کمی شیر واسه بچه ها بخری؟

B: Ali, before we go, can you buy some milk for the children?

اوه، تا خواربار فروشی راه طولانیه. الان ساعت شش هست، و ما باید حدود ساعت هفت خونه سحر باشیم.

A: Oh, it's a long way to grocery store. It's six o'clock already, and we have to be at Sahar's house around seven.

لازم نیست خواربارفروشی بری. اون خیلی دوره. یه مغازه کوچیک طرفای نیش هست. اونام شیر دارن

B: You don't need to go to the grocery store that's too far. There's a small store around the corner. They have milk, too.

اوکی. ترتیبشو میدم.

A: Okay. I'll take care of that.

We won't stay for dinner.

ما واسه شام نخواهیم موند (فشرده)

Has she invited somebody else?

آیا اون کس دیگه ای رو دعوت کرده؟

Who is it?

کیه؟

It's me.

منم

It's just me.

فقط منم

It's us.

ماییم

It's just us.

فقط ماییم

Has Sahar invited somebody else?

آیا سحر کس دیگه ای رو دعوت کرده؟

No, it's just us.

نه، فقط ماییم

Take care of your parents.
They need you.

مراقب والدینت باش
اونها به تو احتیاج دارن

Who's taking care of your children?
My mother, she lives with us.

کی از بچه هاتون مراقبت میکنه؟
مادرم، اون با ما زندگی میکنه

I'm taking care of the children.

من دارم از بچه ها مراقبت میکنم

Do I have to send all these letters?
To my insurance company

آیا من باید تمام این نامه ها رو بفرستم؟
به شرکت بیمه

Do I have to send all these letters to my insurance company? آیا من باید تمام این نامه ها رو به شرکت بیمه بفرستم؟

No, we'll take care of them.

نه، ما ترتیبشونو خواهیم داد

We'll send them.
You don't need to do anything.
We'll take care of it.

ما اونها رو میفرستیم
لازم نیست شما هیچ کاری بکنید
ما ترتیبشو خواهیم داد

I'm thirsty.
Can you give me a glass of water, please?
Of course

تشنمه
میتونی یه لیوان آب بهم بدی لطفاً؟
البته